# چرا تعرفه‌های ترامپ اثری بر کسری تجاری نداشتند



**تیموتی تیلور**
اقتصاددان و سردبیر مجله دیدگاه‌های اقتصادی (JEP)

رأی دیوان عالی آمریکا مبنی بر این که رئیس‌جمهور دیگر از اختیارات دل‌بخواهانه و نامحدود که برای افزایش و کاهش تعرفه‌ها مدعی آن بود برخوردار نیست، برای ناظران آشنا با مبانی حقوق عمومی و تجارت بین‌الملل شگفت‌آور نبود. اما آیا ادعای دیگر ترامپ مبنی بر اینکه هدف از تعرفه‌ها کاهش کسری تجاری بوده از نظر اقتصادی معنی‌دار است؟

به‌طور کلی، دو چارچوب تبیینی برای کسری تجاری قابل طرح است. تبیین نخست «چارچوب مرکانتیلیستی» است. این رویکرد بر این فرض استوار است که برخی کشورها از طریق رویه‌های «غیرمنصفانه» رقابت می‌کنند؛ به نحوی که این بی‌انصافی، صادرات آمریکا را متضرر و واردات آن را به‌طور ضمنی یارانه‌ای می‌کند و در نتیجه به بروز کسری تجاری می‌انجامد. تبیین دوم، «چارچوب کلان اقتصادی» است. این رویکرد کسری تجاری را برآیند متغیرهایی چون سطح کل تولید و مصرف و نیز توازن پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی می‌داند و مطابق آن سیاست‌های حمایتی یا تنبیهی دولت نسبت به صنایع خاص، بی‌تردید موجب جابه‌جایی منابع میان بخش‌ها و تغییر در ترکیب فعالیت‌های اقتصادی می‌شود؛ اما تعیین‌کننده اندازه نهایی کسری تجاری نخواهد بود.

از آوریل سال ۲۰۲۵، ترامپ اجرای موج جدیدی از تعرفه‌ها را آغاز کرد و از آن زمان نرخ مؤثر تعرفه یعنی میانگین موزون تعرفه‌ها بر کل کالاهای وارداتی به شکل معناداری افزایش یافت. درآمدهای فدرال حاصل از تعرفه‌ها نیز از سطحی نزدیک به صفر، در برآوردهای بودجه‌ای اخیر دولت فدرال به رقمی در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار در سال معادل حدود یک درصد تولید ناخالص داخلی رسید. بدین‌ترتیب، یک آزمون تجربی برای دو فرضیه رقیب درباره علل کسری تجاری فراهم شده است: آیا اقدامات دولت آمریکا در محدودسازی واردات، عملا به کاهش کسری تجاری انجامیده است؟ **داده‌های تازه منتشر شده از سوی وزارت بازرگانی آمریکا درباره سال ۲۰۲۵** تصویری روشن ارائه می‌کند.

واقعیت آن است که کسری تجاری آمریکا در سال ۲۰۲۵، علیرغم اعمال تعرفه‌های گسترده، تغییر محسوسی نداشته است. در گزارش وزارت بازرگانی می‌خوانیم «در سال ۲۰۲۵، کسری کالا و خدمات آمریکا معادل ۹۰۱.۵ میلیارد دلار بوده که نسبت به رقم ۹۰۳.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ تنها ۲.۱ میلیارد دلار کاهش نشان می‌دهد». تفکیک این ارقام به دو بخش کالا و خدمات نیز آموزنده است. در بخش کالا، که کانون تمرکز تعرفه‌های ترامپ بود، کسری تجاری افزایش یافته است؛ حال

آن‌که در بخش خدمات، مازاد تجاری بیشتر شده است. بر اساس گزارش رسمی، «کاهش کسری کل کالا و خدمات در سال ۲۰۲۵ بازتاب افزایش ۲۵.۵ میلیارد دلاری (معادل ۲.۱ درصد) کسری کالا تا سطح ۱۲۴۱ میلیارد دلار و نیز افزایش ۲۷.۶ میلیارد دلاری (معادل ۸.۹ درصد) مازاد خدمات تا سطح ۳۳۹.۵ میلیارد دلار بوده است».

بی‌تردید تعرفه‌ها بی‌اثر نیستند. برای مثال، می‌توانند جریان واردات را میان مبادی جغرافیایی مختلف واردات بازتخصیص دهند. مثلا واردات کالایی آمریکا از چین که در سال ۲۰۲۴ حدود ۴۳۸ میلیارد دلار بود، در سال ۲۰۲۵ به ۳۰۸ میلیارد دلار کاهش یافته است. با این همه، جابه‌جایی ترکیب جغرافیایی تجارت، معادل تغییر در تراز کل تجاری نیست. افزون بر این، ماهیت ناپایدار و فاقد هدف‌گذاری دقیق تعرفه‌های ترامپ موجب شد حتی بر حوزه‌هایی که برای اقتصاد آمریکا اهمیت راهبردی دارند تمرکز مؤثری صورت نگیرد. بر اساس یکی از جداول آماری رسمی، اقتصاد آمریکا در حوزه محصولات با فناوری پیشرفته در سال ۲۰۲۴ با کسری تجاری ۲۹۷ میلیارد دلاری مواجه بود (۷۶۳ میلیارد دلار واردات در برابر ۴۶۶ میلیارد دلار صادرات). علی‌رغم تشدید تعرفه‌ها این کسری در سال ۲۰۲۵ به ۴۱۴ میلیارد دلار افزایش یافت (۹۶۵ میلیارد دلار واردات در برابر ۵۵۰ میلیارد دلار صادرات).

یکی از آموزه‌های بنیادین اقتصاد خرد و کلان مقدماتی آن است که کسری‌های تجاری عمدتا تابع نیروهای کلان اقتصادی‌اند، نه حاصل درجه «انصاف» یا «بی‌انصافی» در سیاست تجاری. در واقع این چارچوب کلان اقتصادی است که کسری‌های تجاری را توضیح می‌دهد نه چارچوب مرکانتیلیستی. نکته اساسی در اینجا آن است که اگر انتظار می‌رفت تعرفه‌های ترامپ شکاف معناداری در کسری تجاری آمریکا ایجاد کند، شواهد تجربی خلاف آن را نشان می‌دهد. تعرفه‌ها می‌توانند ترکیب کالاها و خدمات مبادله‌شده و نیز مقاصد و مبادی تجاری را بازتنظیم کنند؛ اما ابزار مؤثری برای اصلاح کسری کل تجاری محسوب نمی‌شوند.

**منبع**


- U.S. International Trade in Goods and Services, December and Annual 2025